

ضرب‌المثل‌های هلندی

«تا دوسگ بر سر استخوانی نزاع می‌کردند، سومی دوید و آنرا برد.» ...



A

.Als twee honden vechten om een been, loopt de derde er mee heen

ترجمه: «تا دوسگ بر سر استخوانی نزاع می‌کردند، سومی دوید و آنرا برد.»

مترادف فارسی: «دونفر دزد خری دزدیدند// سر تقسیم به هم جنگیدند// آن‌دو بودند چوگرم زدو خورد// دزد سوم خرشان را زد و برد»

B

.Beter één vogel in de hand dan tien in de lucht

ترجمه: «پرندۀ ای در دست بهتر از ده در هوا است.»

مترادف فارسی: «گنجشک نقد به از طاووس نسیه.» قابوس‌نامه

.Blaffende honden bijten niet

ترجمه: «سگ‌های پارس کننده گاز نمی‌گیرند.»

D

.Daar is geen rook zonder vuur

ترجمه: «هیچ دودی بدون آتش نیست.»

مترادف فارسی: «هیچ دودی بی آتشی نیست.» (چیزی پنهان نمی‌ماند)

.Dat is de doos van Pandora

ترجمه: «آن صندوق پاندورا است.»

مترادف فارسی: «اندرین صندوق جز لعنت نبود.»

.De appel valt niet ver van de boom

ترجمه: «سیب از درخت بدور نیفتد.»

مترادف فارسی: «میوه از درخت دور نمی‌افتد.»

مترادف فارسی: «خوشه از خرمن دور نمی‌افتد.»

.De berg heeft een muis gebaard

ترجمه: «کوه موشی زایید.»

مترادف فارسی: «کوه‌کنند و موش برآوردن.»

.De een z'n dood is een ander z'n brood

ترجمه: «مرگ یکی، نان دیگری است.»

مترادف فارسی: «مرگ خر عروسی سگ است.»

مترادف فارسی: «تا نمیرد یکی به ناکامی// دیگری شادکام ننشیند» سعدی

.De ezel geboren is, most ezel sterven /zal geen paard sterven

ترجمه: «آن‌که خر زاده شده، باید خر هم بمیرد/ نباید اسب بمیرد.»

مترادف فارسی: «خری زاد و خری زید و خری مرد.»

.De morgenstond heeft goud in de mond

ترجمه: «صبح‌گاهان زر در دهان دارد.»

مترادف فارسی: «سحرخیز باش تا کامروا باشی!»

.De pen is machtiger dan het zwaard

ترجمه: «قلم قدرت‌مندتر از شمشیر است.»

مترادف فارسی: «قلم از شمشیر تیز برنده‌تر است.»

.De schepen achter zich verbranden

ترجمه: «کشتی‌های پشت سر را سوزاندن.»

مترادف فارسی: «پل پشت‌سر را خراب کردن.»

.Die het eerst komt, die het eerst maalt

ترجمه: «آن‌که اول آید، اول هم آسیا کند.»

مترادف فارسی: «آسیا به‌نوبت.»

.Door dick en dun

ترجمه: «از میان کلفت و نازک (سخت و نرم) گذشتن.»

E

.Een appeltje voor de dorst

ترجمه: «سیبی برای تشنگی.»

مترادف فارسی: «پول سفید برای روز سیاه خوب است.»

.Een ezel stoot sich geen twee malen aan een' steen

ترجمه: «خر هرگز پایش دوبار به یک سنگ نمی‌خورد.»

مترادف فارسی: «خر که یک‌بار پایش به چاله رفت، دیگر از آن راه نمی‌رود.»

Een rotte appel in de mand, // maakt al het gave fruit te schand

ترجمه: «یک سیب فاسد، بقیه میوه‌های هم‌جوار خود را هم خراب می‌کند.»

مترادف فارسی: «یک بز گر گله را گرگین کند.»

.Één zwaluw maakt nog geen zomer

ترجمه: «یک پرستو تابستان نیاورد.»

مترادف فارسی: «از يك پرستو تابستان نشود/ با يك گل بهار نمی‌آید.»

G

.Geen vlieg kwaad doen kunnen

ترجمه: «به مگس هم آزارش نرسد.»

مترادف فارسی: «آزارش به مورچه نمی‌رسد.»

H

.Het doel heiligt de middelen

«هدف وسیله را توجیه می‌کند.»

.Het hemd is nader dan de rok

«اول خویش سپس درویش.»

.Het is niet alles goud wat er blinkt

«هر درخشنده‌ای طلا نبود.»

.Het oog van den meester maakt het paard vet

«چشم صاحب اثر دیگری دارد.»

.Het oog van den meester is de beste haver voor de paarden

«نفس ارباب بهتر از نواله جو است.»

.Hij gaat van een olifant zwanger, en brengt eene vlieg voort

«کوه البرز، پس از درد فراوان موش زائید!»

.Hij maakt van elke mug een olifant

«از کاه کوهی ساختن.»

.Hoge bomen vangen veel wind

«سپیدار مانده‌ست بی‌هیچ‌چیز// ازیرا که بگزیده مستکبری را» ناصرخسرو

.Holle vaten klinken het hardst

«در خم خالی صدا بیشتر می‌پیچد.»

I

.In het land der blinden is één oog koning

«در شهر کوران یک‌چشمی پادشاه است.»

.In troebel water is het goed vissen

«بهتر گیرند صید ز آب گل آلود.»

«دزد بازار آشفته می خواهد.»

J

.Je moet een gegeven paard niet in de mond kijken

«دندان اسب پیش کشی را نمی شمارند.»

.Je moet geen slapende honden wakker maken

«فتنه در خواب است بیدارش مکن!»

«فتنه خفته را مکن بیدار!»

.Jobsgeduld

«صبر ایوب داشتن.»

M

.Men roept den ezel niet tot hove, dan als hi wat draghen moet

ترجمه: «کسی خر را به کاخ دعوت نمی کند مگر برای باربری.»

مترادف فارسی: «خر را که به عروسی می برند، برای خوشی نیست، برای آب کشی است.»

مترادف فارسی: «خران را کسی در عروسی نخواند// مگر وقت آن کآب و هیزم نماند» نظامی

O

.Olie in het vuur gieten

«آتش را به روغن نتوان نشانید.»

S

.Spreken is zilver, zwijgen is goud

«اگر گفتن سیم باشد، خاموشی زر است.»

«اگر حرف از نقره است، خاموشی از طلاست.»

.Stel niet uit tot morgen, wat je vandaag kunt doen

«کار امروز به فردا میفکن!»

T

.Twee kraeyen met en schoot schieten

.Twee vliegen in een klap slaan

«با يك تیر دو نشان زدن.»

«با يك گز دو فاخته زدن.»

U

.Uit het oog, uit het hart

«از دل برود هرآنکه از دیده برفت.»

«هر که از چشم دور، از دل دور.»

V

.Van Scylla in Charybdis vervallen

«از ترس جهنم به مار غاشیه پناه بردن.»

«از ترس عقرب جراره به مار غاشیه پناه بردن.»

«از بیم مار در دهن اژدها رفتن.»

.Vis nog vlees zijn

«به مارماهی مانی، نه این تمام و نه آن// منافقی چه کنی؟ مار باش یا ماهی» کلیله و دمنه

.Voorzichtigheid is de moeder van de porseleinkast

«جام در راه است.»

W

.Wie het laatst licht, licht het best

«از پی هر گریه آخر خنده ایست// مرد آخرین مبارك بنده ایست» مولوی

.Wie wind zaait, zal storm oogsten

«هر که باد بکارد، طوفان درو خواهد کرد.»

Z

.Zend een' ezel naar Liefland, hij zal giegagen, als hij t' huis komt

.Zend men een' ezel naar Parijs, men krijgt hem weder, even wij

«خر عیسی گرش به مکه بری// وقت برگشت هنوز خر باشد» سعدی

.Zij loopen met de hazen, en jagen met de honden

«به آهو می گوید بدو، به تازی می گوید بگیر.»

«شریک دزد و رفیق قافله.»

«با گرگ دنبه خوردن، با چوپان گریه کردن.»

.Zoals de ouden zongen, piepen de jongen

«مکن در این چمنم سرزنش به خودرویی// چنانکه پرورشم میدهند می رویم» حافظ

.Zo gewonnen, zo geronnen

«بادآورده را باد می برد.»

.Zolang er leven is, is er hoop

«آدم به امید زنده است.»

.Zo vader, zo zoon

«تره به تخمش میره، حسنی به باباش.»